

پژوهشگران با تجربه همیشه در نظر دارند که «سوال» با «مساله» متفاوت است، «سوال» را می توان با انجام مطالعات مروری پاسخ داد و در حقیقت پاسخ آن در علوم، موجود است؛ ولی «مساله» اینگونه نیست و تنها با مطالعات مروری نمی توان به پاسخ آن دست یافت و نیاز است که تحقیقات جامعی مبتنی بر روش علمی برای حل آن پیدا کرد (به همین دلیل است که در پروپوزال بخشی به نام بیان «مساله» وجود دارد که بعداً در مورد آن مفصل در فصل ... بحث خواهیم کرد).

برای پژوهشگران، همیشه هنگام برخورد با یک مسئله دو راه وجود دارد؛ اول اینکه در گام نخست آن را غیر قابل حل بپندارند و دیگر به آن مشکل فکر نکنند و بگویند که چرا باید خودم را به درد سر بیندازم تا پاسخ آن را بیابم؛ دوم اینکه حل مسئله را آسان تصور کنند و برای آن نه یک راه حل، بلکه چندین راه حل تصور کرده و از بین آنها بهترین راه را برگزینند.

پژوهشگر باید تمامی مستندات و منابعی را که می تواند در شناخت «مساله» به او کمک کند، جمع آوری نماید و پس از مطالعه و بررسی آنها، ایده های خود را مطرح سازد. اگر چه ممکن است برخی ایده ها دور از واقعیت به نظر آیند، ولی بهتر است که همه آنها ثبت شوند.

در زمان تلاش برای حل یک مساله، روشهای مختلفی برای تکمیل و ارتقا ایده ها و راه حلها وجود دارد که اولین آنها بازگشت مداوم به مسئله اولیه و شناخت کامل راه حلها و ایده های ارایه شده می باشد. بازخوانی و مطالعه مجدد مسئله اولیه، موجب می شود که دوباره چگونگی پیدایش آن و راه حلهای ارایه شده در نظر گرفته شده و با نگارش آن بر صفحه کاغذ، تمامی راه حلهای احتمالی بررسی شوند. در این مرحله است که ساعتها و شاید روزها تفکر برای پیدا کردن راه حلهای موجود مورد نیاز است و سپس بهتر است به سراغ سایر افراد صاحب نظر در همان زمینه برویم و دیدگاه ایشان را در مورد روشهای حل مسئله آن بدانیم.

پژوهشگر در هنگام انجام مطالعات مروری، بهتر است تنها به آخرین مطالعات و مقالات موجود اکتفا نکند، بلکه سعی کند که مقالات را از ابتدا بررسی نماید تا بتواند تاریخ حل مسئله مورد نظر را از ابتدا بررسی نماید. با آگاه شدن از سیر تاریخی حل مساله که دانشمندان مختلف در مورد آن تلاش می کردند، پژوهشگر می تواند مسیر تلاش پژوهشگران پیشین را درک کند و راهکارهای مناسب جدید در جهت تکمیل و ارتقا ایده ها را کشف نماید. پژوهشگر می تواند مسیر دانشمندان قبلی را قدم به قدم مطالعه کند؛ گاهی در برخی جزئیات آن نوآوری ایجاد نماید و یا شیوه کلی اجرا را تغییر دهد.

ولی پژوهشگر نباید فراموش کند که هدفی از مطالعه مقالات قبلی دارد، یعنی باید نگرشی جدید به مقالات را مطالعه کند. در هنگام مطالعه، پژوهشگر می تواند سیر کلی و تاریخی یا بهترین تغییر مسیر را یادداشت کند و بیشتر روی آن متمرکز شود. همچنین می تواند با تفکر و تامل بیشتر مسیری را که قابلیت رقابت با مسیر پژوهشگران قبلی داشته باشد، انتخاب نماید.

البته راه حل دیگری هم در پیش روی پژوهشگران وجود دارد و آن حرکت در مسیر ایده های جدید ، بدون در نظر گرفتن مسیر دانشمندان پیشین می باشد . در این حالت ، پژوهشگر فرض می کند که کسی تا کنون مسئله را حل نکرده است و او ناگزیر به حل آن هست . در این روش پژوهشگر باید با ایده ها و راه حل های جدید و با در نظر گرفتن جنبه های مختلف ، به دنبال یافتن راه حلهایی برای مسئله باشد و در این مرحله هم ایده های متفاوت را ثبت کند .

همانگونه که در متون فوق مشهود است ، یکی از مهمترین مهارتهایی که باید پژوهشگران به آن احاطه کامل داشته باشند ، روشهای حل مساله می باشد که برای آن می توان اقدامات زیر را انجام داد . یکی از روشهای حل مساله که موجب یافتن نگاهی بدیع و نو می شود . پژوهشگر با نگاه به تجربه کاری و پژوهشی خود از دیدگاههای مختلف می تواند روشهای مختلفی را برای حل مساله پیدا کند . پژوهشگران همواره باید در پی نگرشی و منطقی باشند که تا کنون افراد دیگر به آن نیندیشیده اند و ایشان ابتدا باید دانش مورد نیاز برای حل مسئله بدانند و روشهای یافتن و ساختن راههای گوناگون در ذهن را فرا گیرند . لازم به ذکر است که همیشه پژوهشگر می تواند شرایطی را که وجود خارجی ندارد ، در ذهن شبیه سازی کند و اینگونه به امکان دستیابی به راه حلها و فرضیات بهتر را برای خود در نظر گیرند .

پژوهشگر همیشه باشد بداند که مجبور نیست به صورتی که قبلاً به مسئله ای فکر می کرد ، دوباره به آن فکر کند . می توان با استفاده از مطالعه فراوان و دقیق و مصاحبه با صاحب نظران ؛ از نگاه قدیمی ، نگاههای جدیدی را بازسازی کرد و با تغییر نگاه خود ؛ نسبت به درك آن مسئله عمیق تر شده و نسبت به اصل مسئله نزدیک تر می شود .

دومین مهارت اصلی که پژوهشگر همیشه باید به یاد داشته باشد این است که كوچك ترین ایده هایی را که به ذهنش می رسد ، یادداشت نماید . پژوهشگر هنگام پاسخگویی به يك مسئله پس از مرحله تفکر و بررسی متون ؛ باید ساعتها به ایده ها فکر کرده و آنها را پردازش کند و به طور مرتب روشهای حل مسئله را تجزیه و ترکیب کرده تا به بهترین فرضیه برسد. لازم دست یافتن برای رسیدن به بهترین فرضیه ، این است که پژوهشگر بداند که هیچگاه در کمترین زمان ایده های مناسب و لازم به ذهن نمی رسد و شاید برای رسیدن به این فرضیه ، پژوهشگر مدتها باید بیندیشد .

داشتن يك دفترچه یادداشت كوچك همیشه موجب می شود که تراوشات ذهنی در جایی مناسب ذخیره شود تا در صورتی که وقت لازم رسید ، بتواند آن را اجرایی نماید . مهم است هر پژوهشگر بداند که ایده های ناب در لحظه ای به سراغ پژوهشگر می آیند و شاید سپس فراموش شوند و تنها با یادداشت آن است که این ایده ها ماندگار خواهند بود